

تحلیل نشانه شناختی یک مجموعه تلویزیونی کودک و بررسی نقش آن در آموزش کودکان (با رویکرد رمزگان بارتی)

مهدیه اسحاقی*

آزاده شریفی مقدم**

چکیده

نقش تلویزیون در آموزش کودکان به دلیل در اختیار داشتن همزمان ابزارهای مختلف صوت و تصویر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر به تحلیل نشانه‌شناختی و بررسی نقش آموزشی یک مجموعه‌ی تلویزیونی کودک با نام "محلۀ گل و بلبل" محصول شبکه دو سیما پرداخته‌است. طبق نظر ویگوتسکی (۱۹۸۱) فعالیت‌های عالی ذهنی کودک زمانی آغاز می‌شود که تصویری از جهان پیرامون در ذهن کودک ایجاد شود و بتواند خصوصیتی از محرکها را در ذهن انتزاع کند و آنها را با تجربه‌های پیشین بسنجد، مقایسه کند و به نتیجه برسد. در این پژوهش، در چارچوب رمزگان بارتی به تحلیل نشانه‌شناختی این مجموعه پرداخته‌شد، بدین منظور ۷۲۰ دقیقه شامل ۱۲ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت، تا مشخص شود تا چه حد از رمزگان بارتی در جهت فعال‌سازی فعالیت‌های ذهن کودک برای شناخت و درک بهتر مفاهیم مورد نظر استفاده شده‌است و سپس تحلیلی از یافته‌های حاصل برای ارزیابی کارکرد آموزشی این مجموعه بر پایه‌ی دیدگاه‌های لاسول و گرینر ارائه شد. نتایج حاکی از این بود که رمزگان بارتی هم در طراحی شخصیت‌ها و هم در طراحی داستان‌های این مجموعه در نظر گرفته شده‌است و از این حیث و با توجه به نظریه‌های لاسول و گرینر می‌توان این مجموعه را مجموعه‌ای موفق در جهت آموزش کودکان به شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: نشانه، تحلیل نشانه‌شناختی، آموزش کودک، رمزگان بارتی، فعال‌سازی فعالیت‌های عالی ذهن

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mahdie_eshaghi@ut.ac.ir

** دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، asharifi@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵

۱. مقدمه

انسان به عنوان مخلوق متفکر، در مسیر درک و شناخت جهان، ساختن ابعاد مختلف زندگی و ایجاد چارچوب‌های اجتماعی و اخلاقی برای زندگی در جامعه همواره نیازمند آموزش است، که در این میان، بی‌شک دوران کودکی حساس‌ترین دوره‌ی نیازمند آموزش است، دوره‌ای که در آن بنیان‌های فکری انسان پایه‌ریزی می‌شود، لذا برجسته‌سازی ارزشهای اخلاقی و اجتماعی از مهمترین نیازهای شناختی کودک است.

آموزش نیازمند برقراری ارتباط است. لاسول (Laswell, 1948) ارتباط را فرایندی شامل پنج عنصر می‌داند: ۱. فرستنده‌ی پیام، ۲. محتوای پیام، ۳. کانال پیام، ۴. گیرنده‌ی پیام، ۵. تأثیر پیام و سه نقش را برای رسانه در نظرمی‌گیرد: نقش خبری، نقش تفسیر و راهنمایی و نیز نقش آموزشی. بنابراین، آموزش به‌عنوان یکی از کارکردهای سه‌گانه ارتباطی از طریق کانال‌های مختلف امکان‌پذیر است، رسانه یکی از تأثیرگذارترین کانال‌های آموزشی است و از میان رسانه‌های مختلف، تلویزیون نقش اساسی در شکل‌دهی به افکار و ادراک مخاطب دارد.

نظریه‌هایی در رابطه با تأثیر وسایل ارتباط جمعی در آموزش مطرح شده‌است که در این میان برخی نقش اصلی را به ابزار ارتباط و برخی نقش اصلی را به گیرنده‌ی پیام و نیازهای او داده‌اند. از میان نظریه‌هایی که نقش اصلی را در ارتباط به ابزار ارتباط داده و گیرنده‌ی پیام یا مخاطب را منفعل در نظر گرفته، نظریه‌ی تزریقی (Hypodermic-syringe model) است که به نظریه‌ی کمربند انتقال (Transmission-belt model) و نظریه‌ی گلوله جادویی (Magic bullet theory) نیز مشهور است. هیتلر و موسولینی دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ از پیشگامان ایجاد این نظریه هستند. براساس این نظریه پیام مانند ماده‌ای در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را به مخاطب تزریق کرد و از طریق نفوذ در ذهن و قلب او به واکنش مورد نظر دست یافت. بنابراین، رسانه به عنوان ابزاری قدرتمند موجب تغییرات رفتاری در مخاطب می‌شود، تغییراتی که مخاطب ناگزیر به پذیرش آنهاست. اما در اواخر دهه‌ی ۴۰ نظریاتی مطرح شد مبتنی بر تأثیر محدود رسانه و تأکید بر نقش مخاطب. لازارسفلد (Lazarsfeld)، کتز و برلسون (Katz & Berelson) بیان داشتند که ابزار ارتباط نمی‌تواند تأثیر عمیق و مطلق بر رفتار و عقاید مخاطب داشته باشد، آنها در بیان نظریه‌ی تأثیر محدود (Reinforcement Theory) به تأثیر عواملی از جمله سن، شغل، تحصیلات و... اشاره کردند.

نظریه‌ی کاشت (Cultivation Theory) گربنر (Gerbner, 1969) یکی از این نظریه‌هاست، این نظریه در پی بررسی‌های انجام‌گرفته در رابطه با نقش تلویزیون در شکل‌دهی به افکار و عقاید مخاطبان از حقایق اجتماعی ایجاد شد. در این نظریه اعتقاد بر این است که از میان رسانه‌های مدرن تلویزیون به دلیل جایگاه خاصی که در زندگی روزمره دارد، تأثیر قابل توجهی بر شناخت مخاطب از جهان دارد و بیش از تجربه‌ی شخصی در شکل‌گیری افکار نقش دارد. این نظریه تأکید بر تأثیر تلویزیون در طول زمان بر مخاطب دارد. گربنر معتقد است که تلویزیون در درازمدت نمادهای فرهنگی را وارد جامعه می‌کند.

از جمله عواملی که تلویزیون را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزش تبدیل می‌کند، میزان استفاده افراد از تلویزیون است. مطالعات حاکی از این است که کودکان از سنین پایین به مخاطبان تلویزیون تبدیل می‌شوند. (کریستکس و زیمرمن ۲۰۰۷، نقل از محمدزاده وحدتی، ۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "رسانه و کودکان" میانگین سنی کودکانی که به تماشای تلویزیون می‌پردازند را تقریباً ۹ ماهگی اعلام کرده است.

در ایران نیز مطالعاتی از این دست صورت گرفته‌است، خضریان (۱۳۸۵) به نتایج حاصل از یک بررسی در مرکز مطالعات و تحقیقات صدا و سیما اشاره می‌کند که بر طبق آن کودکان ۳ تا ۹ ساله ایران به طور متوسط، ۴ ساعت و ۲۶ دقیقه در روز به تماشای تلویزیون مشغول هستند و کودکان ۷ تا ۱۲ ساله حدود ۵ ساعت و ۱۲ دقیقه در روز تلویزیون تماشا می‌کنند.

مطالعات فراوانی در حوزه‌ی بررسی نقش رادیو و تلویزیون در آموزش کودکان نیز صورت گرفته‌است؛ برای مثال فرقانی و محمدکمال (۱۳۹۶) با تکیه بر نظریات هال (Hall, 1973) به مقایسه‌ی نقشها و کلیشه‌های جنسیتی در دو برنامه کودک پرمخاطب ایرانی و خارجی (کلاه قرمزی و ابرقهرمان) پرداخته‌اند، در هر دوی این انیمیشن‌ها زنان کمتر از حد معمول بازنمایی شده‌اند، با این تفاوت که در مجموعه ایرانی تصویر ارائه شده از جنس مؤنث، تصویرستی است و در مجموعه‌ی خارجی ساختار شکنی‌هایی در به تصویر کشیدن این جنس به چشم می‌آید، رضانی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی شخصیت‌های کلاه قرمزی ۹۱ از دیدگاه آموزشی پرداخته‌اند، نوانکور (Nwankwor, 2010) رادیو و تلویزیون را ابزارهای دیداری و شنیداری انتقال دانش به مخاطب عام می‌داند و معتقد است قدرت و تأثیر این دو رسانه بر جامعه‌ی جهانی غیرقابل انکار است، وی مخاطب به ویژه مخاطب دارای توانایی تشخیص کمتر را تحت کنترل چیزی می‌داند که در معرض آن قرار می‌گیرد

و محمدزاده وحدتی (۱۳۸۹) ضمن اشاره به اهمیت بررسی‌های نشانه‌شناختی در حوزه‌ی رسانه و کمبود چنین بررسی‌هایی به تحلیل نشانه‌شناختی مجموعه تلویزیونی «فیتله» و تأثیرات اخلاقی آن بر مخاطب کودک پرداخته‌است.

آنچه مطرح شد بیانگر اهمیت و ضرورت پردازش دقیق و حساب‌شده در طراحی مجموعه‌های تلویزیونی دارای مخاطب کودک است. لذا این پژوهش به هدف تأکید بر این مهم و به منظور دستیابی به زوایای پنهان مجموعه‌ی تلویزیونی مورد بررسی به واکاوی این مجموعه‌ی پر مخاطب از دیدگاه نشانه‌شناختی می‌پردازد.

دست اندرکاران مجموعه تلویزیونی "محله‌ی گل و بلبل" هدف از تولید آن را آموزش رفتارهای اجتماعی درست به کودکان معرفی می‌کنند که در قالب ماجراهایی در یک محله خیالی متشکل از خانه‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌ها، مغازه‌ها و شهروندانی که هر کدام دغدغه‌های متفاوتی دارند، پیگیری می‌شود و به موضوعات اجتماعی مثل آداب و مراعات‌های اخلاقی، روحیه‌ی پهلوانی، کمک به هم‌نوع، فرهنگ شهرنشینی و مطالعه و کتاب‌خوانی توجه ویژه‌ای دارد (نقل از سایت شبکه دو سیما: www.tv2.ir).

طبق نظر ویگوتسکی (۱۹۸۱) در کتاب اندیشه و زبان، فعالیت‌های عالی ذهنی کودک زمانی آغاز می‌شود که تصویری از جهان پیرامون در ذهن کودک ایجاد شود، یعنی کودک بتواند خصوصیات از محرک‌ها را در ذهن انتزاع کند و آنها را با تجربه‌های پیشین بسنجد، مقایسه کرده و به نتیجه برسد. بی‌تردید، هر قدر کودک بتواند بهتر خصوصیت‌ها را انتزاع بخشد و هر قدر بهتر بتواند عوامل غیرضروری را کنار بزند و پدیده‌ها را در رابطه‌ی چندگانه با سایر پدیده‌ها بنگرد، امکان شناخت دقیق‌تری از آنها به دست می‌آورد. و این ممکن نیست مگر در پرتو «تفکر مفهومی» یعنی تفکری مبتنی بر مفاهیم. کودک وقتی می‌تواند به مفاهیم دست یازد که خصوصیات محرک‌ها را انتزاع کند و سپس آنها را در مواردی که فراتر از تیررس اوست، به کار گیرد. (قاسم زاده، ۱۳۹۳: ۱۳)

در پژوهش حاضر، به منظور تحلیل نشانه‌شناختی مجموعه‌ی تلویزیونی مورد نظر و نیز تعیین میزان موفقیت این مجموعه در ایجاد انتزاع در کودک و فعال‌سازی فعالیت‌های عالی ذهن کودک در آموختن مفاهیم مورد نظر، قالب رمزگان بارتی (طبق نظر ویگوتسکی) مورد استفاده قرار گرفت.

سؤالهای مورد نظر پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. میزان کاربرد رمزگان بارتی در مجموعه‌ی تلویزیونی گل و بلبل چگونه است؟

۲. تا چه اندازه مسأله انتزاع کودک طبق نظر ویگوتسکی برای آموختن مفاهیم مورد نظر در طرح‌ریزی مجموعه تلویزیونی گل و بلبل لحاظ شده است؟
 ۳. آیا می‌توان طبق نظریه‌ی کاشت گربنر این مجموعه تلویزیونی را مجموعه‌ای موفق در زمینه‌ی آموزش کودک به شمار آورد؟
- در ادامه، ابتدا نشانه‌شناسی و رمزگان بارتی معرفی و سپس، روش انجام پژوهش ارائه خواهد شد:

۲. نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی به بررسی نشانه‌هایی از انواع مختلف و در موقعیت‌های متفاوت می‌پردازد، نشانه‌ها بر اساس منبع به وجودآورنده‌ی آنها و بافت مورد بررسی از تنوع و گستردگی فراوان برخوردارند، در واقع، نشانه‌شناسی به بررسی نشانه‌هایی از انواع مختلف و در موقعیت‌های متفاوت می‌پردازد. نشانه‌شناسی در قالبی فراتر از نگاه صرف زیبایی‌شناسانه به تحلیل می‌پردازد.

تحلیلهای نشانه‌شناختی را می‌توان از دقیق‌ترین و کاربردی‌ترین نوع تحلیل‌ها در حوزه‌های مختلف به شمار آورد که به درک بهتر معنی و مفهوم مورد نظر کمک می‌کنند. دو سنت اصلی در نظریه‌های نشانه‌شناسی جدید، سنت نشانه‌شناسی سوسور (۱۹۱۴-۱۸۵۷) و دیگری سنت نشانه‌شناسی پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴) می‌باشند، پس از آنها نشانه‌شناسان فراوانی در حوزه‌های مختلف به فعالیت پرداختند. گیرو (۱۳۸۰) نشانه‌شناسی را مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای مانند رمزگانها، نظام‌های علامتی و غیره می‌داند. دینه سن (۱۳۸۰) معتقد است تحلیل‌های نشانه‌شناختی در حوزه‌های مختلف از جمله هنر، ادبیات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات مردمی کاربرد دارد. متز (۱۹۹۳-۱۹۳۱) نیز از پایه‌گذاران و آغازگران مباحث نظری در زمینه‌ی نشانه‌های تصویری بود، وی پیشنهاد جدا کردن نشانه‌شناسی علوم طبیعی از نشانه‌شناسی علوم انسانی را مطرح ساخت. از سایر فعالان این حوزه می‌توان به اکو (۱۹۳۲) اشاره کرد که در کتاب رساله‌ای در باب نشانه‌شناسی همگانی به نظریه‌ی رمزگان و نظریه‌ی نشانه‌ها پرداخت. بارت نیز (۱۹۸۰-۱۹۱۵) یکی از مهمترین نظریه پردازان در حوزه‌ی مطالعات نشانه‌شناسی هنری است. بارت نشانه‌شناسی را یک علم می‌دانست و برای علم بررسی نشانه‌ها در جامعه اهمیت فراوان قائل بود. نشانه‌شناسی در دهه‌ی ۱۹۶۰ در نتیجه‌ی آثار بارت به صورت نگرشی مهم در

حوزه مطالعات فرهنگی در آمد. بنابراین، ارائه‌ی تحلیل نشانه‌شناختی از هر موجودیتی در جهان ممکن است و می‌تواند باعث افزایش دقت تحلیل شود و تصویری کامل از تمام زوایای پیدا و پنهان آن ارائه دهد. در بحث حاضر، نشانه‌ها را با توجه به جایگاه‌هایشان در رمزگان بارتی مورد بررسی قرار می‌دهیم (اسحاقی، ۱۳۸۶: ۲۳-۸).

۳. رمزگان بارتی

بارت اندیشمند فرانسوی در دهه‌ی ۱۹۶۰ نشانه‌شناسی را به عنوان نگرشی مهم در مطالعات فرهنگی معرفی کرد. وی معتقد بود که هدف نشانه‌شناسی بررسی نظام‌های نشانه‌ای است که حد و مرز و جوهرشان می‌تواند تصاویر، حرکات بدن، اصوات موسیقیایی، اشیا و یا پیوند پیچیده‌ی همه‌ی آنها به صورت آیینهای مذهبی، آداب و رسوم و یا نمایش‌ها باشد، همه‌ی اینها اگرچه زبان نیستند، نظامهای دلالتی به شمار می‌روند (اسحاقی، ۱۳۸۶ به نقل از چندلر، ۲۰۰۱).

از این منظر، «رمز» پیامی است که نشانه‌ای را با خود حمل می‌کند و نشانه‌ها حاصل ارتباط دال و مدلول از طریق رابطه‌ی دلالت هستند. دال صورت نشانه است و مدلول مفهوم نشانه. بارت در سال ۱۹۷۰ در تلاش برای درک اینکه معنا چگونه آفریده و پراکنده می‌شود، به معرفی رمزگانها می‌پردازد (صفیثی و سلامی، ۱۳۹۰).

چندلر (Chandler, 2002) رمزگان، چارچوبی را فراهم می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند، تفسیر معنی نشانه‌ها مستلزم آشنایی با مجموعه‌ای از قراردادهاست. رمزگان نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه‌ی دال و مدلول می‌شود.

رمزگان پنج گانه بارتی عبارتند از:

۱. رمزگان هرمنوتیک (Hermeneutic): رمزگان معمایی است یعنی واحدهایی که نقش آنها ایجاد پرسش در بیننده یا خواننده است، به واسطه‌ی این نوع رمزگان، پرسشی پیش افکنده می‌شود و در نهایت به آن پاسخ داده می‌شود. بنابراین می‌توان رمزگان هرمنوتیکی را همان معماهای متن دانست.

۲. رمزگان نمادین (Symbolic): رمزگان تقابلهای دوتایی میان شخصیتها و مکانهاست؛

خوب و بد، دشوار و آسان،

۳. رمزگان حوادث یا ماجراها (Proairetic): رمزگان کنش‌ها و رفتارها به عبارتی رمزگان رویدادها و اثرات آنهاست. این نوع رمزگان خواننده یا بیننده را در حال وهوای وقوع رویدادها قرار می‌دهد و همانند رمزگان هرمنوتیک داستان را به جلو حرکت می‌دهد.
۴. رمزگان معنای ضمنی (Semic): این نوع رمزگان معنای ضمنی عمیق‌تری نسبت به آن چیزی ارائه می‌کنند که ظاهر آن نشان می‌دهد، در واقع، دلالت‌های ضمنی مرتبط با خصوصیات شخصیتها، کنشها و مکانها را بیان می‌دارد.
۵. رمزگان ارجاعی (Referential): رمزهای ارجاعی که گاه فرهنگی نیز نامیده می‌شوند، آنهایی هستند که به یک مصداق عینی دلالت می‌کنند و در واقع این نوع رمزگان مجرای ارجاع به جهان بیرون یعنی واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی یک بافتار است (سجودی، ۱۳۸۵).

۴. روش شناسی

داده‌های پژوهش بر گرفته از ۱۲ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای در مجموع ۷۲۰ دقیقه از مجموعه تلویزیونی "محلای گل و بلبل" محصول شبکه‌ی دو سیما است (قسمت‌های ۱، ۲، ۳، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند). شخصیتهای داستانی مجموعه‌ی گل و بلبل عبارتند از عموپورنگ، بابا ایاز، مامان نیاز، آقای خوشحال، گندم، نون خالی خور، پروانه چمنی، گلدون خان، بلبل خان، نازخاتون، برفک و عمو نروز. در تمامی قسمت‌های مورد بررسی پژوهش حاضر، شخصیت منفی داستان، برفک، طرفدار رفتارهای منفی است و عمو نروز، شخصیت مثبت داستان در پی حل و فصل مشکلات و ترویج رفتارهای مثبت است.

قسمت‌های منتخب به طور خلاصه به موضوع‌های ذیل می‌پردازند:

- قسمت ۱: برفک به شکل عموپورنگ وارد محلای گل و بلبل می‌شود و به آزار و اذیت ساکنان می‌پردازد.
- قسمت ۲: برفک به شکل یک دستفروش وارد محله می‌شود به بچه‌ها بوق می‌فروشد تا با ایجاد آلودگی صوتی آرامش ساکنان محله را برهم‌زند.
- قسمت ۳: در ادامه‌ی قسمت ۲، تأثیرات آلودگی صوتی را بر آرامش محیط زندگی به تصویر می‌کشد.

قسمت ۱۵: برفک پشهی «به من چه» را به محله می‌فرستد تا ساکنان محله رو نیش بزنند و نسبت به هم بی تفاوت کند، در محله نظم بهم ریخته و همه به هم بی تفاوت شده‌اند.

قسمت ۱۶: در ادامه‌ی قسمت ۱۵، عمو نوروز بچه‌ها را دور هم جمع می‌کند و از آنها می‌خواهد برای جنگ با مشکل متحد شوند.

قسمت ۲۱: ماجرا از استفاده‌ی کودکان از فضای مجازی بدون نظارت بزرگترها شروع می‌شود که مشکلاتی را در پی دارد.

قسمت ۲۲: در ادامه‌ی قسمت ۲۱، برای رفع مشکلات به‌وجود آمده، کلاس سواد مجازی برپا می‌شود.

قسمت ۲۳: ماجرا از نارضایتی افراد از جایگاه و کار خود شروع می‌شود، اعتراض و تمایل به جابه‌جایی نقش‌ها، برای مثال آقای خوشحال می‌خواهد به جای همسرش گندم در خانه باشد و گندم تمایل دارد در نانوائی مشغول به‌کار شود و در نهایت همه به این نتیجه می‌رسند که هر کاری سختی خودش را دارد.

قسمت ۲۷: کودک درون عمو پورنگ فعال شده، شخصیت عمو پورنگ را با کودک درون فعال و یکی بدون کودک درون به نمایش می‌گذارد.

قسمت ۲۸: در ادامه‌ی قسمت ۲۷ به تعلیم و تربیت کودک درون می‌پردازد.

قسمت ۲۹: ماجرا با دزدیدن گوشی آقای عزیز، بقال محله، آغاز می‌شود و اتفاقاتی که در پی آن روی می‌دهد.

قسمت ۳۰: در ادامه‌ی قسمت ۲۹ نشان می‌دهد که نمی‌توان به حافظه مصنوعی اعتماد کرد و به‌دلیل عدم امنیت نباید اطلاعات خصوصی را به حافظه گوشی سپرد.

به‌منظور تحلیل نشانه‌شناختی این مجموعه تلویزیونی رویکرد رمزگان بارتی در نظر گرفته شده است، تا بدینوسیله بتوان به ارزیابی تأثیر مجموعه‌ی حاضر در آموزش کودکان از طریق فعالسازی فعالیتهای عالی ذهن کودک در قالب فکری و یگوتسکی پرداخت.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بخش حاضر به بررسی کاربرد رمزگان بارتی در مجموعه تلویزیونی گل و بلبل می‌پردازد، این بررسی در دو زیر بخش رمزگان شخصیت‌ها و رمزگان داستان‌ها ارائه می‌گردد.

۱.۵. رمزگان شخصیت‌ها

بررسی نشانه‌شناختی شخصیتها در چارچوب رمزگان بارتی تنها در حیطه‌ی سه نوع از انواع پنج‌گانه رمزگان بارتی صورت می‌گیرد: رمزگان نمادین، رمزگان معنای ضمنی و رمزگان ارجاعی. به این دلیل که رمزگان هرمنوتیک و رمزگان حوادث و ماجراها مرتبط با فرم و روایی داستان است.

از میان سه رمزگان مرتبط، رمزگان نمادین در قالب تقابل‌های دوگانه سامان می‌یابد، بدین لحاظ، در بررسی رمزگان نمادین شخصیتها باید به تقابلهای دوگانه‌ی به‌کاررفته در انتخاب شخصیتهای داستانها توجه شود، برای مثال، تقابل بین دو جنس که بارت در داستان سارازین و صفی و سلامی (۱۳۹۰) در تحلیل داستان فیزیکدانها اثر فردریش دورنمات به عنوان رمزگان نمادین در نظر گرفته‌اند، رمزگان معنای ضمنی شخصیتها در قالب دلالت‌های ضمنی شخصیتهای انتخاب‌شده برای داستان قابل بررسی است، چنانکه صادقی (۱۳۸۷) در بررسی نشانه‌شناختی داستان «خروس» اثر «ابراهیم گلستان»، «سنگ» را دارای رمزگان معنای ضمنی راندن شیطان معرفی می‌کند و رمزگان ارجاعی برای ارجاع به واقعیتی فرهنگی یا اجتماعی در جهان بیرون به کار می‌رود، از نمونه‌های آن می‌توان به «سگ» در داستان «بشکن دندان سنگی» را اثر «شهریار مندنی پور» اشاره کرد که ملک مرزبان و کریمی (۱۳۹۳) آن را نمونه‌ای از رمزگان ارجاعی در این داستان دانسته‌اند و به نقل از هجویری (۱۳۸۴) به این موضوع اشاره کرده‌اند که بسیاری از بزرگان ادب «سگ» را برای ارجاع به تمایلات حیوانی و پست نفس به کار برده‌اند.

یافته‌های حاصل از بررسی شخصیت‌های مجموعه تلویزیونی «گل و بلبل» در قالب رمزگان بارتی در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

ارجاعی	معنای ضمنی	نمادین	
			عمو پورنگ
√		√	بابا ایاز
√		√	مامان نیاز
			نون خالی خور
		√	گندم
	√	√	آقای خوشحال
	√	√	گلدون خان
		√	نازخاتون
√	√	√	برفک
√	√	√	عمو نوروز
	√		بلبل خان
	√	√	پروانه چمنی
		√	حالا کار دارم

جدول شماره ۱: بررسی رمزگان بارتی در شخصیت بازیگران

تحلیل داده‌های ارائه شده در جدول شماره (۱)، بیانگر رمزگان نمادین در نظر گرفته شده در شخصیت‌های بابا ایاز و مامان نیاز، نازخاتون و گلدون‌خان، گندم و آقای خوشحال حاصل از تقابل بین دو جنس است، که هر یک با وظایف خاص در داستان نقشهایی را ایفا می‌کنند، علاوه بر این رمزگان نمادین در انتخاب شخصیت برفک به عنوان نماد شرارت و دشمنی در مقابل شخصیت عمو نوروز به عنوان نماد خیر و دوستی در نظر گرفته شده است و در شخصیت پروانه چمنی به عنوان نماد مسئولیت پذیری در مقابل حالا کار دارم به عنوان نماد بی مسئولیتی لحاظ شده است.

اسماعیلی (۱۳۹۳) بر این موضوع تأکید می‌نماید که در بحث تحلیل نشانه‌شناختی بازیگران چهار موضوع از اهمیت فراوان برخوردارند: نام بازیگران، انتخاب بازیگران، لباس و شیوه ی رفتار بازیگران. وی نام بازیگر را بیانگر شخصیت منفی یا مثبت، احساسات و امیال بازیگر می‌داند.

این موضوع در انتخاب شخصیت‌های داستانهای محله‌ی گل و بلبل و ایجاد رمزگان در آنها کاملاً مشهود است، در بررسی اعمال رمزگان معنای ضمنی شخصیتها، آقای خوشحال به عنوان نانوائی محله با وجود کار سخت از زندگی راضی است، در واقع دلالت بر این دارد که خوشحالی یک احساس رضایت درونی است که به وسیله‌ی خود شخص خلق می‌شود و ارتباطی با رفاه و مادیات ندارد، پروانه چمنی، بلبل خان و گلدون خان به عنوان افرادی در محله که وظیفه‌ی برقراری نظم و آرامش و محافظت از محیط زیست را بر عهده دارند، اسامی آنها بیانگر زیباییهایی از طبیعت افراد ماست، لباس سیاه و ظاهر برفک دلالت بر ناپسند بودن شرارت و آزار دیگران و لباس و ریش سفید عمو نوروز دلالت بر پسندیده بودن خیر و کمک به دیگران است.

رمزگان ارجاعی را می‌توان در انتخاب شخصیت‌های بابا ایاز و مامان نیاز برای ارجاع به شخصیت‌هایی که در فرهنگ ما خانواده را ایجاد کرده، حفظ می‌کنند و شرایط دشوار را حل و فصل می‌کنند، علاوه بر این، عمو نوروز ارجاع به شخصیتی دارد که در فرهنگ ما پیام آور بهار، شادی و دوستی‌ها است و در مقابل برفک ارجاع به موجودی شیطانی دارد که در فرهنگ ما منشأ شر و بدی‌هاست.

۲.۵. رمزگان داستان‌ها

در این بخش به تفکیک به بررسی انواع رمزگانهای به کاررفته در هر یک از داستانهای مجموعه تلویزیونی گل و بلبل پرداخته می‌شود و نمونه‌هایی از هر یک از این رمزگانها در داستان‌ها ذکر می‌شود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
قسمت اول:

- رمزگان حوادث و ماجراها: √ مجموعه‌ای از اتفاقات در یک توالی روی می‌دهد. عمو پورنگ وارد پارک می‌شود، در بازی فوتبال تعدادی از بچه‌ها را مصدوم می‌سازد، به محله می‌رود، اجناس مغازه‌ی آقای عزیز را به حراج می‌گذارد، نون خالی خور را فریب می‌دهد و
- رمزگان هرمنوتیک: √

از آنجا که عموپورنگ شخصیت محبوب و مورد توجه کودکان در این مجموعه‌ی تلویزیونی است، رفتاری که در اینجا از این شخصیت سر می‌زند، می‌تواند ایجادگر یک معما در ذهن بیننده باشد که در پایان داستان پاسخ این معما ارائه می‌گردد.

- رمزگان معنای ضمنی: √

در واقع دست زدن شخصیت مثبت داستان به رفتارهای ناپسند و در نهایت معرفی شخصیت منفی که خود را به شکل و ظاهر شخصیت مثبت در آورده، نوعی رمزگان گذاری معنای ضمنی جهت آموزش کودک است.

- رمزگان نمادین: √

شخصیت برفک در مقابل عموپورنگ واقعی نوعی رمزگان گذاری نمادین را ارائه می‌دهد.

- رمزگان ارجاعی: √

استفاده از شخصیت‌های معمول که در یک محله و همچنین اعضای خانواده.

قسمت دو و سه :

- رمزگان حوادث و ماجراها: √

این داستان با موضوع آلودگی صوتی، با صدای جارو برقی، چرخ گوشت و آغاز می‌شود، پس از آن شخصیت برفک در قالب بوق فروش وارد محله می‌شود، هر یک از بچه‌ها یک بوق می‌خرند، آلودگی صوتی محله آرامش محله را از به هم می‌زند و در نهایت مشخص می‌شود که کار برفک شخصیت منفی داستان بوده است.

- رمزگان هرمنوتیک: ×

- رمزگان معنای ضمنی: √

بوق دارای دلالت ضمنی انواع آلودگی صوتی است که آرامش را بر هم می‌زند.

- رمزگان نمادین: √

سکوت و صدای بوق، آرامش و بی‌آرامشی

- رمزگان ارجاعی: √

بوق برای ارجاع به آلودگی صوتی به عنوان موضوع داستان به کار می‌رود و اثر آن در به هم ریختن آرامش محله جهت آموزش به کار می‌رود.

قسمت پانزده و شانزده:

- رمزگان حوادث و ماجراها:√

شخصیت برفک ، پشه‌ای را وارد محله می‌کند که نیش آن افراد محله را نسبت به هم بی تفاوت می‌سازد ، گلدون خان نسبت به فرزندان خود، گندم خانم نسبت به آقای خوشحال ، ناراحتی خانم چمنی به رییس شورای محله از اوضاع ، استعفای او ، انتخاب "حالا کار دارم" به عنوان رییس شورای محله ، وعده های "حالا کار دارم" و در نهایت بچه ها و عمو پورنگ دور هم جمع می شوند و با کمک عمونوروز به منشأ مشکل را پیدا می کنند.

- رمزگان هرمنوتیک:√

بی تفاوتی افراد نسبت به هم به عنوان یک پرسش مطرح می‌شود و در نهایت پاسخ این پرسش ارائه می‌گردد.

- رمزگان معنای ضمنی:√

وعده‌های "حالا کار دارم" مانند سوپر با اجناس خارجی به جای بقالی، مرکز بازیهای رایانه‌ای به جای زورخانه، سوسیس کالباس به جای میوه و به طور ضمنی آموزش مطلوب نبودن این موارد را در پی دارد.

- رمزگان نمادین:√

پشه‌ی به من چه که نیش آن بی تفاوتی ایجاد می‌کند در مقابل پروانه رنگی رنگی که لمس بال آن مهربانی و محبت را ایجاد می‌کند ، حالا کار دارم نماد بی مسئولیتی در مقابل خانم چمنی.

- رمزگان ارجاعی:√

بی تفاوتی به یکدیگر به عنوان رفتاری ناپسند برای ارجاع به این واقعیت اجتماعی که بی تفاوتی افراد جامعه نسبت به هم وبه اوضاع جامعه باعث از بین رفتن نظم و سؤاستفاده‌ی سودجویان می‌شود.

قسمت بیست و یک ، بیست و دو

- رمزگان حوادث و ماجراها:√

بچه‌های گلدون خان بدون کنترل او وارد فضای مجازی شده‌اند و با مطالب غیرمجاز مواجه شده‌اند، سپس گلدون خان از عمو پورنگ راهنمایی می‌خواهد و به کلاس آموزش فضای مجازی می‌رود و

- رمزگان هرمنوتیک: ×

- رمزگان معنای ضمنی: √

حالت میخ شدن بچه‌ها بعد از مواجهه با مطالب غیرمجاز در فضای مجازی بیانگر آسیب فکری و روحی آنهاست.

- رمزگان نمادین: √

برفک با ایجاد مشکل و عمو نوروز با معرفی استاد دانشدان برای آموزش افراد محله و افزایش سواد مجازی آنها.

- رمزگان ارجاعی: √

استاد دانشدان به عنوان فردی آگاه که باید به او مراجعه شود.

قسمت بیست و سه

- رمزگان حوادث و ماجراها: √

با شکایت "حالا کار دارم" از خانواده‌ی خود آغاز می‌شود که آقای خوشحال را به فکر جابه‌جا کردن نقش خود با همسرش گندم خانم می‌کند، وی عهده‌دار کار خانه می‌شود و گندم خانم به نانوائی می‌رود، در خانه‌ی گلدون خان گلدون خان به نازخاتون پیشنهاد می‌دهد که برای کمک به وی زمانی که در خانه است کارهای بچه‌ها را انجام دهد، در نهایت همه به این نتیجه می‌رسند که کار هر کسی سختی خود را دارد و دیگری از عهده‌ی آن بر نمی‌آید.

- رمزگان هرمنوتیک: ×

- رمزگان معنای ضمنی: √

دلالت بر این واقعیت دارد در هر جامعه‌ای برای هریک از اشخاص وظایفی مشخص شده که با توانایی‌های خود به انجام آنها می‌پردازند و هیچکس از عهده‌ی کار دیگری بر نمی‌آید.

- رمزگان نمادین: √

آقای خوشحال قدر زحمات همسر خود را نمی‌داند، از طرف دیگر گلدون خان قدردان زحمات همسر خود است و در پی کمک به او.

- رمزگان ارجاعی: √

وظایف افراد مختلف در جوامع مختلف.

قسمت بیست و هفت و بیست و هشت

- رمزگان حوادث و ماجراها: √

بیرون آوردن کودک درون عمو پورنگ به وسیله اکسیر برفک ، مواجهه‌ی اعضای محله با دو پوررنگ ، شلوغ

کاری‌های کودک درون ، و از طرف دیگر عمو پورنگ بدون کودک درون تحمل بچه ها و سر و صدای آنها را نداشت و در نهایت برگشتن کودک درون عموپورنگ به درون او و کنترل کردن آن به وسیله ی عمو پورنگ.

- رمزگان هرمنوتیک: √

وجود دو پورنگ با رفتارهای متفاوت.

- رمزگان معنای ضمنی: √

نقش والدین در تربیت و کنترل کودکان.

- رمزگان نمادین: √

پورنگ با کودک درون و پورنگ بدون کودک درون

- رمزگان ارجاعی: ×

قسمت بیست و نه و سی

- رمزگان حوادث و ماجراها: √

گرفتن گوشی موبایل آقای عزیز توسط زورگیرها، خاموش شدن گوشی ، نگرانی اعضای محله ،از دست دادن اطلاعات بسیار مهم از جمله کد خرید برای بقالی که در گوشی ذخیره شده بود، شماره تماسهای مورد نیاز . ورود برفک به عنوان پیرمردی که ادعا می کند به دلیل عدم استفاده از مغز سالم مانده،

- رمزگان هرمنوتیک: √

- رمزگان معنای ضمنی: √

از دست دادن کد خرید بقالی که در گوشی ذخیره شده بود به دنبال از دست دادن گوشی ، بیانگر هرگونه اطلاعات مهمی که در گوشی ذخیره شده و ممکن است در صورت از دست دادن گوشی از دست برود.

- رمزگان نمادین: √

پیرمردی که لرزش دارد و در درک و حتی حرکات مشکل دارد به عنوان نماد فردی که از مغز خود استفاده نکرده است.

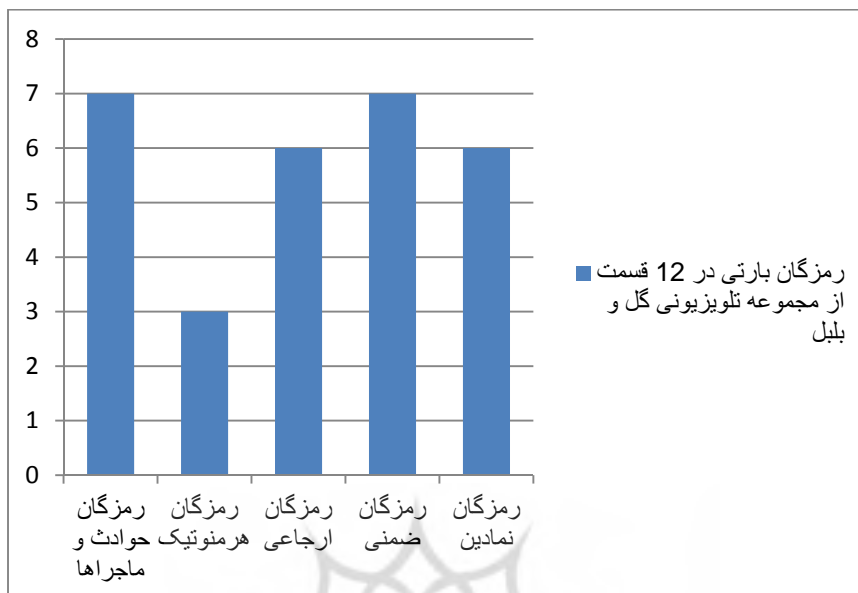
- رمزگان ارجاعی: ✓

عدم امنیت گوشی، سپردن همه چیز به حافظه ی مصنوعی

رمزگان معنای ضمنی	رمزگان نمادین	رمزگان ارجاعی	رمزگان هرمنوتیک	رمزگان حوادث و ماجرایها	
✓	✓	✓	✓	✓	قسمت ۱
✓	✓	✓		✓	قسمت ۳ و ۲
✓	✓	✓	✓	✓	قسمت ۱۶ و ۱۵
✓	✓	✓		✓	قسمت ۲۱ و ۲۲
✓	✓	✓		✓	قسمت ۲۳
✓	✓			✓	قسمت ۲۷ و ۲۸
✓	✓	✓	✓	✓	قسمت ۲۹ و ۳۰

جدول شماره ۲: بررسی رمزگان بارتی در قسمت های مورد بررسی مجموعه

جدول شماره ۲ کاربرد رمزگانهای بارتی را در قسمتهای مختلف مجموعه تلویزیونی گل و بلبل نشان می دهد ، رمزگان حوادث و در تمامی قسمتها به کار رفته است، رمزگان هرمنوتیک تنها در سه قسمت به کار رفته است.



نمودار شماره (۱): نمودار بررسی میزان کاربرد رمزگان بارتی در ساختار مجموعه تلویزیونی محله‌ی گل و بلبل

نمودار ۱ به طور مقایسه‌ای میزان کاربرد هر یک از این رمزگانها را در داده‌های مورد بررسی نشان می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

نظر به اهمیت آموزش در دوران کودکی و با تأکید بر نقش تلویزیون به عنوان یکی از مناسبترین و تأثیرگذارترین ابزارهای آموزش، در پژوهش حاضر به تحلیل نشانه‌شناختی تعدادی از بخشهای مجموعه‌ی تلویزیونی محبوب و پر مخاطب "محله‌ی گل و بلبل" محصول شبکه‌ی ۲ در قالب رمزگان بارتی پرداخته شد. رمزگان بارتی شامل مجموعه‌ی ۵ نوع رمزگان هستند. هدف این مجموعه آموزش موضوعهای اجتماعی مثل آداب و مراعات‌های اخلاقی، روحیه پهلوانی و کمک به هم‌نوع، فرهنگ شهرنشینی و مطالعه و کتابخوانی و رفتارهای اجتماعی درست به کودکان است.

طبق نظر ویگوتسکی (۱۹۸۱) فعالیتهای عالی ذهنی کودک زمانی آغاز می‌شود که تصویری از جهان پیرامون در ذهن کودک ایجاد شود، یعنی کودک بتواند خصوصیتی از

محرك‌ها را در ذهن انتزاع کند و آنها را با تجربه‌های پیشین بسنجد، مقایسه کند و به نتیجه برسد. بی تردید، هر قدر کودک بتواند بهتر خصوصیت‌ها را انتزاع بکند و هر قدر بهتر بتواند عوامل غیرضروری را کنار بزند و پدیده‌ها را در رابطه‌ی چند گانه‌ای با سایر پدیده‌ها بنگرد، امکان شناخت دقیق‌تری از آنها به دست می‌آورد. و این ممکن نیست مگر در پرتو تفکری مفهومی یعنی تفکری مبتنی بر مفاهیم. کودک وقتی می‌تواند به مفاهیم دست یازد که خصوصیات محرك‌ها را انتزاع کند و سپس آنها را در مواردی که فراتر از تیررس اوست، به کار گیرد. از این رو یکی از بهترین شیوه‌ها برای دست یافتن به این هدف رمزگذاری مفاهیم مورد نظر است، برای بررسی میزان اثربخشی آموزش از طریق این مجموعه‌ی تلویزیونی نشانه‌های به کاررفته در شخصیت‌پردازی و همچنین نشانه‌های داستانی با رمزگان بارتی ارزیابی شد، نتایج حاکی از این است که رمزگان‌های بارتی در طرح‌ریزی داستان‌ها و شخصیت‌های داستان‌ها به کار گرفته شده‌است و مسیر درست در جهت فعال‌سازی فعالیت‌های ذهنی کودکان و آموزش مفاهیم مورد نظر به آنها در این مجموعه اتخاذ شده است، نکته‌ی قابل توجه اینکه اشکالاتی که در طراحی سایر مجموعه‌های تلویزیونی پرمخاطب کودک از سوی محققانی از جمله محمدزاده وحدتی (۱۳۸۹) در رابطه با مجموعه‌ی فیتیله و رمضانی و همکارانش (۱۳۹۶) در رابطه با مجموعه‌ی کلاه قرمزی ۹۱ مطرح شد، در شخصیت‌پردازی و طرح داستانهای این مجموعه یافت نمی‌شوند و از این حیث می‌توان این مجموعه را مجموعه‌ای موفق در آموزش کودکان به شمار آورد که هم ذهن کودک را به فعالیت و انتزاع وامی‌دارد و هم بدون نگرانی کودک مجاز است به مخاطب پرمصرف این مجموعه تبدیل گردد و طبق نظریه‌ی گرینر (۱۹۶۹) مفاهیم در ذهن او جای گرفته و به شناخت ارزشهای مقبول اجتماعی و اخلاقی دست می‌یابد.

کتاب‌نامه

- احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک (۱۳۸۱). از نشانه‌های تصویری تا متن به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری، تهران: نشر مرکز.
- اسحاقی، مهدیه (۱۳۸۶). بررسی خوانشهای معنایی پاره‌ای از ویژگیهای نشانه‌شناختی ارتباط غیرکلامی دانشجویان کرمانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سیستان بلوچستان: دانشگاه زاهدان.

اسحاقی، مهدیه؛ آهنگر، عباسعلی و جهانگیری، نادر (۱۳۹۳). "خوانش معنایی پاره‌ای از ویژگی‌های نشانه‌شناختی ارتباط غیرکلامی دانشجویان کرمانی"، زبان و زبان‌شناسی، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۱۷. صص ۴۹-۷۵.

اسماعیلی، رفیع‌الدین (۱۳۹۳). "نقد و بررسی روش‌های کاربردی در تحلیل متون تصویری و ارائه‌ی الگوی مناسب"، عیار پژوهش در علوم انسانی، سال دوم شماره چهارم، پیاپی ۸. صص ۶۳-۹۱. بارت، رولان (۱۳۷۰). عناصر نشانه‌شناسی، مجید محمدی، تهران: الهدی.

بارت، رولان (۱۳۸۴). امپراتوری نشانه‌ها، ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
خضریان، عاطفه (۱۳۸۵). نظرسنجی از والدین دارای فرزند ۳ تا ۹ ساله درباره میزان تماشای تلویزیون توسط فرزندشان در فصل تابستان، پژوهش مرکز تحقیقات صداوسیما.

رمضانی، فاطمه؛ شیخ‌حسینی، شهره؛ عابدینی، نصیر؛ علی‌پور، محمود؛ شریعتی نجف‌آبادی، احسان و فانیدپور، حسن (۱۳۹۱). "نقد و بررسی کلاه قرمزی ۹۱". فصلنامه علمی - تخصصی کودک، نوجوان و رسانه، سال دوم شماره دوم. صص ۱۸۰-۱۵۶.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه.
سوسور، فردینان (۱۳۸۲). دوره زبان‌شناسی عمومی، کورش صفوی، تهران: هرمس.
صادقی، لیلا (۱۳۸۷). "بررسی نشانه‌شناسی داستان خروس اثر ابراهیم گلستان". مجله نوشتا، شماره نهم، صص ۲۲-۳۳.

صفیعی، کامبیز و سلامی، مسعود (۱۳۹۰). "توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنج‌گانه رولان بارت با نمونه‌ی عملی از نمایشنامه فیزیکدانها اثر فریدریش دورنمات"، فصلنامه مطالعات نقد ادبی، دوره ۶، صص ۲۴-۲۵. ۱۴۰-۱۶۲.

فرجی، سجاد؛ گیویان، عبدالله و فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). "بازنمایی زندگی روزمره جوانان در سریال فاصله‌ها". جامعه پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره چهارم. صص ۱۳۸-۱۰۵.
فرقانی، محمدمهدی و محمدکمال، ستاره (۱۳۹۶). "بازنمایی جنسیت در برنامه‌های تلویزیونی: مقایسه مجموعه کلاه قرمزی و شش ابر قهرمان"، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۱. صص ۲۷-۴۸.

کهنمویی، ژاله (۱۳۸۶). رولان بارت و نشانه‌های تصویری. مجموعه مقالات هم‌اندیشی بارت و دریدا، تهران: فرهنگستان هنر.

محمدزاده وحدتی، لیلا (۱۳۸۹). رویکردهای اخلاقی در برنامه کودک: مطالعه نشانه‌شناسی «فیتیله». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشکده صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
ملک مرزبان، نسرين فقیه و کریمی، طاهره (۱۳۹۳). "رمزگان‌شناسی حیوان در داستان‌های کوتاه شهریار مندنی‌پور"، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال دوم شماره سوم. صص ۱۰۸-۹۱.
نوانکور، آی.کی (۱۳۹۱). "رادیو و تلویزیون و تعلیم و تربیت اخلاقی کودک"، سعید ایوبی، فصلنامه کودک، نوجوان و رسانه، شماره ۶، اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه.

ویگوتسکی، لوسمنویچ. (۱۳۹۳). اندیشه و زبان، حبیب‌الله قاسم‌زاده، تهران: انتشارات ارجمند.

Chandler, Daniel (2002). *Semiotics: The Basics*, Routledge, London, UK.

Gerbner, G.(1998)"Cultivation Analysis: An Overview". *Mass Communication and Society*. 1 (3-4): 175-194.

Laswell,H. (1948). "The Structure and Function of Communication in Society" ,in Schramm, W. (Ed.). (1960). *Mass Communications* (2nd ed.). Urbana, IL: University of Illinois .

Vygotsky, L.S. (1981). "The genesis of higher mental function", in: J.V. Wertsch (ed.), *The concept of activity in Soviet psychology*, pp.144-188. Armonk, NY: Sharp

